



## پیکرک نویافته لوور بازیچه یا الهه؟

حسن اکبری

دانشجوی دکتری باستان شناسی، دانشگاه هنر اصفهان.  
hassanakbari181@yahoo.com

حمیدرضا کرمی

دانشجوی دکتری باستان شناسی، دانشگاه هنر اصفهان.

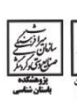
### چکیده

در کاوش‌های باستان‌شناسی به داده‌هایی برخورد می‌شود که به صورت کاملاً آگاهانه و با قصد خاصی تغییر شکل داده شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند یکی از این موارد پیکرک‌های نمادین هستند. پیکرک‌سازی، جهش بزرگ فرهنگی بود که در پارینه‌سنگی جدید رخ داد و نشان‌دهنده یک فرایند پیچیده اجتماعی بود. این گونه داده‌ها را نماد اسطوره یا قربانی همچنین الهه باروری یا ایزدبانو و تمثال‌های مذهبی و تعدادی نیز مجسمه تزئینی و بازیچه نامیده‌اند. در این تحقیق سعی خواهد شد با استفاده از مدارک باستان‌شناختی و مردم‌شناسی، کاربری این پیکرک را تبیین نماییم و معتقدیم که این پیکرک در نقاط مختلف جهان با فرهنگ‌های متفاوت به دست آمده‌اند و بایستی معنا و کاربرد آنها را در متن جامعه و باستان‌شناسی و اسطوره و مردم‌شناسی مبدأ آن داده، مطالعه نمود و بی‌شک این پیکرک‌ها نقش بسیار مهمی در آیین جامعه آن روز ایفا می‌نمودند و تفسیرهای مختلف نیز شاید بدین دلیل است که کاربری پیکرک‌ها را نیافته و مشکل اساسی در شناسایی کاربری این گونه داده‌ها عدم شناخت تمامی مسائل عقیدتی است که در فرهنگ مادی و وسایل به‌جای مانده نمود نیافته‌اند. همچنین یک تفسیر را نبایستی به تمامی داده‌های هم‌شکل تعمیم داد چون کاربری آنها متفاوت است.

کلید واژگان: لوور، پیکرک، بازیچه، ایزدبانو.



Sponsored and Indexed by  
**CIVILICA**  
We Respect the Science





## مقدمه

یافته شدن تکه‌ای سفال، قطعه‌ای از یک نوشته باستانی و یا سکه توسط باستان‌شناس همگی دال بر این موضوع دارند که شما در سرزمینی هستی که دارای قدمت و فرهنگ طولانی است و می‌توان به بیگانگان اعلام نمود که سرزمین ما، با عظمت و متمدن بوده است ولی آیا داده‌های باستانی فقط همین کاربری را دارند که داخل موزه‌ها شده و باعث تفاخر و سرگرمی گردش‌گران داخلی و خارجی شوند. یکی از این داده‌ها که به گوشه موزه‌ها می‌رود پیکرک‌های نمادین هستند که به منظور و اهداف خاصی ساخته و پرداخته شده‌اند نمادسازی، تمثال و سه‌بعدی‌سازی جهش بزرگ فرهنگی بود که در پارینه‌سنگی جدید رخ داد ساخت پیکرک‌های گلی، نمادهای سنگی و گلی، نقوش برجسته و پیکرک‌های مادینه از گل، سنگ و استخوان نشان از یک فرایند پیچیده بود. وجود این پیکرک‌ها یکی از چالش برانگیزترین و بحث‌انگیزترین مسائل ادراکی در حوزه پیش‌تاریخ است فرآیندی که در آن انسان، ادراکات و عقاید خود را توانست از یک مفهوم مطلق ذهنی تبدیل به بعد نماید و در حقیقت توانست مسائل مربوط به خود را که تا آن زمان به صورت گفتار انتقال می‌داد، دیداری ارائه دهد و پایه رسانه ر پیریزی نماید (بایستی این نکته را متذکر شد که آغاز تغییرات در ذهن انسان در پارینه‌سنگی میانی روی داده است ولی در پارینه‌سنگی جدید و نوسنگی این موضوع همه‌گیر شده است) (جنسن ۱۳۶۸: ۱۱-۱۵). با ورود انسان به مراحل پیشرفته‌تر مانند نوسنگی و مس‌سنگی، با تغییرات عمده‌ای در امر معیشت و مسائل اجتماعی برخورد می‌نماییم که به احتمال بسار زیاد بازخورد آنها در موضوعات عقیدتی قراوان بوده و باعث تحولات اساسی در زمینه ادراکات شده است.

در این نوشتار سعی خواهد شد به پرسش‌های زیر که اهداف بحث نیز هست پاسخ داده شود که آیا این پیکرک زینتی است و یا کاربری دیگری دارد؟ مشکل تفسیر و تبیین این پیکرک چیست؟ در این تحقیق سعی شده با نگاهی نو به نقد برخی از پژوهشگران که بیشتر در عملکرد اینگونه داده‌ها تمرکز یافته اند به‌پردازیم درحالی‌که شاخصه‌های میان‌فرهنگی کمتر مورد توجه آنان قرار گرفته است. پژوهش‌های انجام‌گرفته در ایران نیز جالب توجه است و جوانب خاصی را مدنظر قرار داده‌اند هرچند که کامل نیستند یکی از آنها پایان‌نامه‌ای، است که فقط به ریخت‌شناسی پیکرک‌ها پرداخته است (میری، ۱۳۷۳). همچنین پایان‌نامه دیگری نیز از لحاظ جایگاه زن به بررسی این آثار پرداخته است (فرشی‌همایون‌روز، ۱۳۸۳). درمیان مقالات، مقاله‌ای چاپ شده که از دید

Sponsored and Indexed by  
CIVILICA  
We Respect the Science



پرستش و الهه‌گان به این موضوع پرداخته است (زابلی نژاد، ۱۳۸۸). که این نظر در مقاله دیگر به نوعی مشاهده می‌گردد (طاهری و طاووسی، ۱۳۸۹). دریک پژوهش دیگر این موضوع را با نظر برکت دادن به زمین پرداخته اند (مرتضوی و سلیمانی، ۱۳۹۰). و تحقیقی دیگر در باره پیکرک‌های حاجیلار نیز که در نوع خود جالب است منتشر شده است (فیروزمندی و کزازی، ۱۳۸۹). یک کار ترجمه که کار نسبتاً کاملی هم در گذشته نه چندان دور به چاپ رسیده است (شمانت - بشرات، ۱۳۸۰). تمام این نظرات جالب و جذاب است ولی آیا افکار، احساسات و ارزش‌های انسان هوشمند امروزی بعد از گذشت هزاران سال همان است که در گذشته رخ داده است؟ آیا افکار ما منعکس‌کننده همان احساسات انسان چند هزار ساله پیش است؟ آیا با توجه به تفاوت‌های جغرافیایی و زمانی، نگرانی‌های انسان گذشته، جهان‌بینی انسان گذشته و ایدئولوژی او را می‌توانیم با تعدادی پیکرک شکسته تفسیر نماییم. و بدانیم در خیلی از تفاسیر غیر علمی، پاسخ‌ها منعکس‌کننده فرهنگ‌های انسانی گذشته نیستند بلکه تعریفی کوچک از بدیهیات فرهنگی هستند.

این پژوهش به‌روش توصیفی تحلیلی و تطبیقی و مطالعات آن به‌صورت کتابخانه‌ای و مقایسه‌ای به‌سرانجام رسیده است

### مقدمه جغرافیایی

لوور یک واژه فارسی و به معنی زمین است که سیلاب آن را کنده باشد. در برهان قاطع چنین آمده است: «لوور، با ثانی مجهول بر وزن مور، زمینی را گویند که آن را سیلاب کنده باشد- و به معنی سیلاب هم به‌نظر آمده است... و نام شهری و مدینه‌یی هم هست...» (برهان قاطع، ۱۳۶۲). محوطه فعلی لوور در حاشیه شمالی شهر اندیمشک در کنار جاده اصلی اندیمشک به خرم‌آباد قرار دارد و در بعضی نقاط به‌نظر می‌آید جاده جدید شهر قدیم را در زیر خود مدفون نموده است. قسمتی از محوطه نیز در زیر مجتمع فولاد قرار گرفته است. از شواهد باستان‌شناسی چنین برمی‌آید که شهر قدیم لوور وسعتی حدود ۳۰۰ هکتار داشته است که بیش‌تر آن مابین جاده قدیم اندیمشک و آزادراه قرار دارد. محوطه لوور فقط در سال ۱۳۶۴ خورشیدی توسط آقایان رهبر و مهرکیان یک فصل حفاری شده است و گزارشی از آن در دست نیست همچنین آثار این محوطه نشان‌دهنده یک استقرار ساسانی و یک استقرار اسلامی متعلق به دوره ایلخانی و قاجاریه است.



Sponsored and Indexed by  
**CIVILICA**  
We Respect the Science

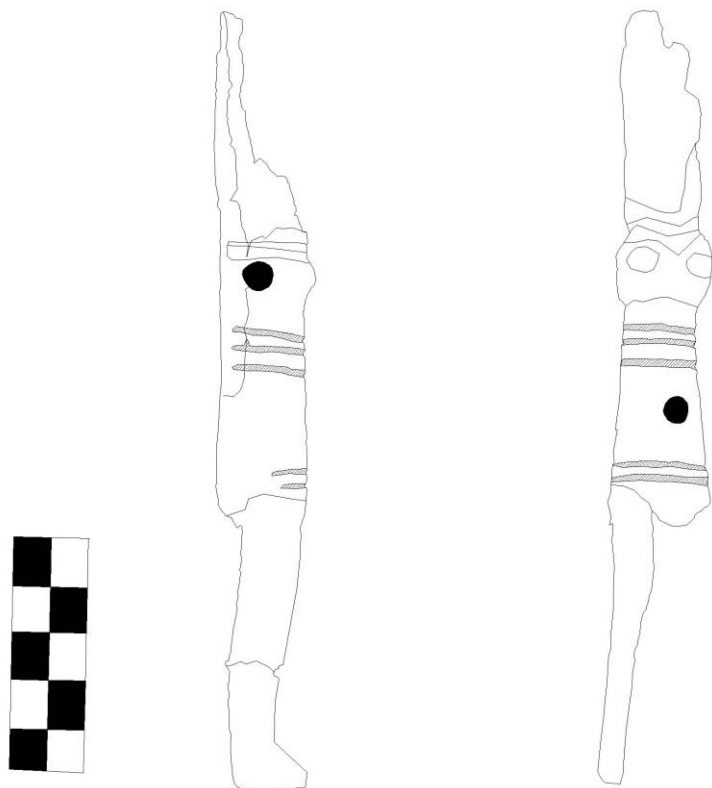




## توصیف پیکره (تصاویر ۱ تا ۳)

این پیکره استخوانی، کاملاً توخالی و به وزن ۲۳ گرم، رنگ آن  $۸/۶ Y ۵$  (Munsell, ۲۰۰۰) بوده و ابعاد آن شامل ارتفاع تقریبی ۱۵۸ میلی‌متر، عرض شکم  $۱۸/۴$  میلی‌متر، طول پا  $۵۸/۵$  میلی‌متر و عرض سینه  $۱۹/۴$  میلی‌متر است. پیکر تراش تمامی جهات را به یک اندازه هنری تراشیده است جز نقاطی که دسترسی نداشته است. گردن و سر پیکره یک تکه است و هیچ‌وجه تمایزی در آنها وجود ندارد و فقط سه جفت خط موازی جای صورت و گردن را گرفته است هرچند که جای سروصورت شکسته و اثری از ظاهر رخ وجود ندارد ولی آنچه نمایان است، به نظر می‌رسد پیکره صورت نداشته و کاملاً سروگردن یکپارچه هستند. ناحیه گردن و بالای سینه، کم‌عرض و به طرف بالا عریض شده و همانند یک قیف با شیب کم است لبه سر مانند تاج کنگره‌دار بوده و فقط یک کنگره از آن باقی مانده است. پشت سروگردن صاف است و مانند روی پیکره، گرد نیست. گردن دقیقاً از روی سینه آغاز می‌شود و سینه مانند دو برجستگی نسبتاً بزرگ نمایان است که محل تلاقی آنها مثلثی‌شکل به هم چسبیده است، سینه‌ها کمی زمخت تراشیده شده و مانند بدن پیکره صاف و هموار نیست. دست‌ها به موازی سینه کار گذاشته شده و محل نصب و حفره مفصلی آن در دو طرف پیکره کاملاً مشهود است ولی اثری از دست‌ها وجود ندارد جای دست‌ها نیز مانند سینه برآمده است و به مانند سینه تراشیده‌اند. زیر سینه‌ها تا ناف سه خط موازی کنده شده وجود داشته و سوراخ ناف از حد خود بزرگ‌تر کنده شده و کاملاً گرد است پایین ناف تا روی پا نیز یک جفت خط موازی کنده شده است. بدن پیکره صاف و هموار شده و پشت آن نیز مانند پشت سروگردن صاف شده است. هرچه از سینه به پایین می‌رویم عرض پیکره بیش‌تر می‌شود و در ظاهر به نظر می‌رسد که پایین تنه را شبیه دامن تراش داده‌اند ناحیه کمر نیز قوسی دارد که کاملاً حالت طبیعی به پیکره داده است و این قوس به پایین که می‌آید، قوس باسن را تشکیل داده و حالت طبیعی بدن را القاء می‌نماید. محل اتصال پا به باسن با خطی ناراست و منحنی تراش خورده و جدا شده است. از پیکره فقط پای راست باقی مانده است و پای چپ شکسته و جدا شده است پا نسبتاً از بدن کوچک‌تر است و قوس پشت زانو نیز ماهرانه تراش خورده است. از زانو تا تخت پا نیز به نسبت کوچک‌تر تراش خورده است ولی ظرافت کار رعایت شده است. تخت پا نیز کوچک کنده شده است و محل اتصال پا به تخت نیز مثلثی تراشیده شده و کمی تجریدی است پیکر تراش با بریدن قسمتی از استخوان و به کنار انداختن آن، پا را به نمایش درآورده است پا مانند بدن از پشت صاف نبوده بلکه پیکر تراش آن را گرد درآورده است. جز سینه نسبتاً برآمده عامل دیگری وجود ندارد که جنسیت این پیکره را مشخص نماید و با همین سینه می‌توان گفت که این یک پیکره مؤنث است. پشت پیکره از سر تا پا صاف و تخت است ولی اثری که نشان دهد این پیکره به جایی آویزان می‌شده وجود ندارد و شاید پیکره روی کف قرار می‌گرفته است.





تصاویر ۱ و ۲ :

نمای مقابل و جانبی پیکره (نگارندگان)

تصویر ۳:

طرح کلی پیکره (نگارندگان)

کاربری های پیکرک های زنانه



ساخت پیکرک های انسانی زنانه سنتی است طولانی که در شرق باستان از پارینه سنگی جدید آغاز و تا عصر حاضر نیز ادامه دارد. کارکردهای گوناگونی نیز برای این گونه آثار عنوان شده است که می توان گفت هیچ کدام از آنها قابل رد کردن نیستند، تعدادی از این فرضیات و نظریات بدین قرار است: بعضی این پیکرک ها را نشاندهنده ابر انسان بودن زن انگاشته اند (زابلی نژاد، ۱۳۸۸: ۳۴) و

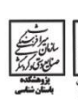




یا در کتابی عنوان می‌شود «به سخن دیگر مردمان متعلق به آن اعصار مؤمنانه ایمان آوردند که جهان نمودی است از تمامیت و کمال جنسی زن و هرگاه این کمال جنسی با روان زنانه نیرومند در جامعه بیامیزد، سعادت و شادمانی جامعه بر مبنای نزدیکی به طبیعت، قابل وصول می‌شود» (لاهیجی و کار، ۱۳۷۱: ۸۰) بعضی مدعی می‌شوند این نشستن و تکیه بر زمین نوعی بارور کردن زمین است (Gimbutas, ۱۹۷۲) حتی ویل دورانت معتقد است علت زیبایی‌شناختی و زیبایی زن مهم‌ترین دلیل ساخت این آثار است (دورانت، ۱۳۶۵: ۱۰۱). بعضی از محققان نیز بدون در نظر گرفتن بعد زمانی و تغییرات اساسی در بینش انسانی آنها را ایزدبانو می‌نامند (طاهری و طاووسی، ۱۳۸۹). بعضی از نظرات نیز حاکی از قربانی نمودن انسان‌ها نیز می‌نمایند هرچند قوی به نظر نمی‌رسند (Lesure ۲۰۱۱: ۴۲). گروهی از محققین کارکرد اصلی آنان را شخصیت‌دادن به نیروهای مافوق طبیعی که در جامعه اقامت داشتن می‌دانند، که از طریق آنان می‌توانستند ترحم آنها را خواستار شده و خشم آنها را فروشانند (Beaulieu ۱۹۹۳: ۲۴۱). به نظر برخی مهم‌ترین کاربری این پیکره‌ها نمایش نقش زن در امر تولد بوده است (Garfinkelly ۲۰۰۳: ۹۶). برخی محققین نیز بر این باور بودند که این‌گونه پیکره‌ها اجداد و مردگان جوامع اولیه هستند (Whittle ۱۹۹۶: ۶۶). بعضی نیز کاربری این پیکرک‌ها را جهت جادوگری و حفاظت اعضاء خانواده از بلاها و چشم‌زخم می‌دانند (Roller ۱۹۹۹: ۳۷). و شماندت بسرات نیز در یکی از نظرات خود معتقد بود که از این‌راه به پرستش اموات خود می‌پردازند (Schmandt-Besserat ۱۹۹۸: ۱۱۰) در الحبه عراق، پیکرک‌هایی به دست آمده که با حرارت آفتاب خشک شده‌اند و پژوهش‌گران این آثار را متعلق به کودکان دختر و پسری می‌دانند که به عنوان عروسک از آنها استفاده نموده‌اند. زیرا که استفاده مدام از آنان باعث شکسته شدن آنها شده و بعد از شکستن داخل زباله‌دانی یا محل دورریز انداخته‌اند (Schmandt-Besserat ۱۹۹۷: ۴۸).

### بحث و نتیجه‌گیری

باستان‌شناسان با مجموعه‌ای از یافته‌ها برخورد می‌نمایند که تفسیر آنها پیچیده و احتیاج به مطالعات دقیق دارد. یکی از این آثار، پیکرک‌ها هستند که کاربری آنها همیشه یکی از پرسش‌های مطرح باستان‌شناسان بوده است. فقدان آثار مکتوب، باعث گردیده هدف آفرینندگان این آثار مکتوم مانده و همواره کارکرد این پیکرک‌ها مورد بحث بوده و هست. ساخت اکثر این پیکرک‌ها نتیجه اندیشه و انتزاع و تفکرات مردمان دوره خود می‌باشد. بیشترین آراء در مورد پیکره‌های زنانه مربوط به باروری و زایمان بوده که اولین اشاره در مورد آیین زایمان را Ucko عنوان می‌نماید. (Ucko, ۱۹۶۸: ۴۱۶). حال با اندکی توصیف ظاهری این‌گونه از پیکره‌ها، در مورد این کارکرد نیز بحث می‌نماییم. پیکرک‌های زنانه معمولاً برهنه به تصویر کشیده شده‌اند، جنسیت آنها نامعلوم یا کم‌رنگ بوده، برجستگی سینه زیاد و کاملاً بزرگ هستند، بدون سر و در اندک موارد با سردوکی یا عادی به نمایش درآمده‌اند، ساختار عضلانی نامشخص، چین‌های بزرگ شکم و حجم بزرگ شکم، ران و بازوان مشخصه‌های اصلی این پیکرک‌ها هستند. اکثر پیکرک‌های زنانه ساکن نشسته‌اند و یا اگر هم ایستاده، بی‌حرکتی در آنان نمایان است که از زن باردار جز این نیز انتظاری نیست معمولاً پیکرک‌ها توپر ساخته شده‌اند، حالت آنها با پاهای تابنده، سینه از حد متوسط بزرگ‌تر و اغراق در مسأله زایمان. البته نشسته نمایش دادن شاید بدین دلیل بوده که برای سازنده تعادل بخشیدن به پیکرک مهم بوده در حالی که پیکرک‌های ایستاده تعادل کمتری دارند و بایستی دارای پشتیبان باشند هرچند که در اواخر دوره نوسنگی و بالطبع در مس‌سنگی پیکرک‌های نشسته بسیار کم‌فروغ هستند.





تقریباً در تمامی پیکرک‌های مادینه نقطه مشترک برهنگی آنها است و تأکید بر بزرگی سینه و شکم و مهم‌تر از همه تأکید بر باردار بودن زن و زایمان دارد تا فقط نشانه بر زن بودن همان‌طور که از مقایسه تندیس زنان یافت شده به سادگی می‌توان فهمید که بخش‌های مربوط به زاینده‌گی یعنی سینه‌ها، شکم و لگن مرکز توجه بوده و سرودست جنبه فرعی داشته و خلاصه شده است. تحلیل این‌گونه پیکرک‌ها نشان می‌دهد که در ساخت آنها هیچ هدفی از نمایش فرد خاصی نبوده و ملاک فقط نمایش اعضاء یک زن در حالت زایمان یا بارداری است. پیکرک‌های گلی زنانه معمولاً خردشده و دورانداخته شده‌اند و تعداد اندکی از پیکرک‌های مادینه گلی یا سنگی و... هستند که شکسته و دورریز نشده‌اند که شاید به این دلیل باشد که هنوز کاربری خود را پیدا نکرده‌اند و شاید کاربری عمومی داشته‌اند.

پیکرک مورد بحث ما کمی با نمونه‌های دیگر تفاوت دارد این پیکرک شکم و لگن بزرگ ندارد و از لحاظ دیگر شاخصه‌های پیکره‌های پیش‌ازتاریخ اثری نمی‌یابیم در کنار این وضعیت، دیگر داده‌های یافت شده از این محوطه نشان از دوره ساسانی و ایلخانان داشت و شایان توجه است که این پیکره شبیه پیکره‌های هم عصر اشکانیان ساخته شده است (Henning, ۱۹۲۶). هیچ‌کدام از پیکره‌های اشکانی علی‌رغم شباهت ظاهری به کیفیت این پیکره نیست اقزون به این موضوع که این پیکره از محوطه‌ای به دست آمده که آثار اشکانیان در آن یافت نشده است بلکه یک شهر ساسانی در آنجا هویدا شده است. با این توضیحات، به نظر می‌رسد این پیکره یا متعلق به کودکی بوده جهت بازی و عروسک و یا متعلق به گروهی از مردم دوره ساسانی است که هنوز به منوال دوره اشکانی، پیکرک‌هایی ایستا و بدون تحرک برای نمایش در کنار دیوارها و شاید هم کف بنا ساخته‌اند این پیکرک‌ها با تأثیرپذیری از هنر محلی و هنر خارج از قلمرو اشکانی، خلق شده‌اند. در این دوره حضور زنان گسترده‌تر از دوره‌های پیشین بود. پیکره افراد عادی نیز متداول شد که احتمالاً این پیکره‌ها در مکان‌هایی نصب می‌شدند که نمونه‌هایی از آن در آی‌خانم، مرو، تاکسیلا، همدان، قم، شوش، شمی، برده‌نشانده، مسجدسلیمان، الحضر، آشور، سلوکیه، نمرودداغ، دورا اروپوس، پالمیر و اروک یافت شده است (محمدی‌فر، ۱۳۹۰: ۲۷۰-۲۶۹).



## فهرست منابع

- جنسن، ه.و. (۱۳۶۸). **تاریخ هنر**. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دورانت، ویل. (۱۳۶۵) **تاریخ تمدن جلد اول: مشرق زمین گاهواره تمدن**. ترجمه احمد آرام تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- زابلی نژاد، هدی. (۱۳۸۸). "پیکرکهای الهه مادر سیمای زن در آثار پیش از تاریخ ایران". **کتاب ماه هنر** ۱۳۱ : ۳۴-۴۲.
- شمانت-بشرات، دنیس. (۱۳۸۰). "استعاره‌ای سنگی از آفرینش". ترجمه سیدرسول بروجنی. **باستان پژوهی** ۸ : ۴۲-۴۹.
- طاهری، صدرالدین و طاووسی، محمود. (۱۳۸۹). "تندیس‌های ایزدبانوان باروری ایران". **مطالعات زنان سال ۱** شماره ۲ : ۴۳-۷۳.
- فرشی همایون‌روز، پریچهر. (۱۳۸۳). **بررسی و مطالعه تحلیلی پیکرکهای زنان در فلات مرکزی ایران در عهدنوسنگی**. پایان نامه کارشناسی ارشد گروه باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- فیروزمندی، بهمن. کزازی، سیده‌ماندانا. (۱۳۸۹). "جایگاه زن در دوران پیش از تاریخ: مطالعه موردی پیکرک‌های محوطه حاجیلار". **پژوهش زنان** ۳ : ۸۹-۱۱۱.
- لاهیجی، ش. کارم. ۱۳۷۱ «**هویت زن ایرانی در گستره پیش از تاریخ و تاریخ**»، تهران، روشنگران
- محمد بن حسین خلف تبریزی بی تا «فرهنگ فارسی برهان قاطع» خرد - نیما تهران بی تا  
محمدی‌فر، یعقوب. (۱۳۹۰). **باستان‌شناسی و هنر اشکانی**. تهران: سمت.
- مرتضوی، مهدی. سلیمانی، ساره. (۱۳۹۰). "پژوهشی بر ماهیت و کارکرد پیکرک‌های مؤنث عصرنوسنگی (مطالعه موردی: غرب ایران" **مجله مطالعات ایرانی** ۲۰ : ۲۶۹-۲۹۸.
- میری، سیما. (۱۳۷۳). **پیکرکهای عصر نوسنگی در منطقه غرب و فلات مرکزی ایران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.





Beaulieu, P.A. (1993) «An Episode in the fall of Babylon to the Persians. » *Journal of the Near Eastern studies* 52(4):241-261.

Garfinkelly, Y. (2003) **Dancing at the Down of Agriculture**. Austin: University of Texas Press.

Gimbutas, Marija. (1972). «Pre Hellenic and pre Indo-European Goddesses and God: The Old European Pantheon» in *Acta of the second International Colloquium on Aegean Prehistory: The First Arrival of Indo-European Elements in Greece, 5-11 April 1971, Athens. Athens. Greece: 82-98.*

Henning. V.O, H. (1926). «Seven Parthian Statuettes». *The Art Bulletin*. Vol 8(3): 168-174.

Lesure G Richard (2011). **Interpreting Ancient Figurines, Context, Comparison & Prehistory Art**. Cambridge University Press.

Munsell, A.H. (2000). **Munsell Soil Color Charts**. Grand Rapids. MI.

Roller, L. (1999). **In the Search of God the Mother**. University of California.

Schmandet –Besserat .D (1997) «Animal Symbols at Ain Ghazal» *Expedition* 39.1 :48-60.

Schmandet –Besserat .D (1998) «Ain Ghazal Monumental Figures» *Basor* 310 : 1-16.

Ucko, p.j. (1968). **Anthropomorphic Figurines of Predynastic Egypt and Neolithic Crete, with Comparative Material from the Prehistoric Near East and Mainland Greece**. London: Andrew Szmidla.

Whittle, A. (1996). **Europe in the Neolithic: the Creation of New Worlds**. Cambridge: New York: Cambridge University Press.

